

# ابتدال فرهنگی:

## بی حجابی و بدحجابی

(۲)

حجة الاسلام محمد تقی رهبر

در بخش پیشین مقال گفتیم: به دلتلی چند، مسئله بی حجابی و بدحجابی را که یکی از مسائل روز است، نمی توان نادیده گرفت و بر آن شدم تا علل و انگیزه ها و راه حلها را در این زمینه به بررسی نهم. و اینک نخستین مطلبی که باید مورد توجه قرار گیرد، نگاه به مسئله در بعد فرهنگی و نظام ارزشهاست. در این مقال ارزش بودن حجاب و ضد ارزش بودن بی حجابی و بدحجابی از دیدگاه ما و نگرش و عملکرد دیگران در این رابطه مورد توجه قرار می گیرد.

این را می دانیم که هر پدیده اجتماعی که بصورت یک فرهنگ یا سنت عملی درمی آید، جدای از جهان بینی و مکتب و ایندولوژی آن جامعه نیست. و لذا از این نقطه نظر، یک پدیده اجتماعی می تواند در دو جامعه مختلف دارای دو ارزش متضاد باشد؛ چرا که فکر و بینش و اعتقاد و فرهنگ است که ارزشها را تعیین می کند.

همین مسئله حجاب را مثال می آوریم: در حالیکه در جوامع مادی، غربی و لائیک، بی حجابی را نوعی آزادی و مایه افتخار و نشانه روشنفکری و ترقی می دانند، برعکس در یک جامعه معنوی و مذهبی بویژه محیط اسلامی اصیل، بی حجابی و لاقیدی - بی تردید امری است ضد ارزش که با اصالت و نجابت و طهارت یک زن بلکه یک

خانواده و فامیل و جامعه و سنت های شناخته شده، تناسب ندارد و نه تنها ارزش نیست، که از ارزش زن نیز می کاهد.

### اصالت ارزشها

نکته ای که در اینجا نیاز به بیان دارد این است که: بر خلاف پندارهای نسبی گرا که ارزشهای اخلاقی را نسبی و غیرواقعی می دانند، از دیدگاه واقع گرایان، ارزشهای اخلاقی نسبی و قراردادی نیستند تا گفته شود اگر یک عمل از دیدگاه گروهی ضد ارزش است، از دیدگاه گروهی دیگر ارزش می باشد و چنین نتیجه گرفته شود که ارزش ثابتی در عالم اخلاق وجود ندارد! باری ارزشهای اخلاقی همانند ارزش کالا مشغیر نیستند، بلکه همچون قوانین و فرمولهای علمی هستند که نظام ثابت حاکم بر آنها، با سرنوشت سعادت انسان گره خورده و اختصاص به جامعه، تاریخ و اقلیم خاصی ندارد.

ناظر به همین مطلب است گفتار امام کاظم علیه السلام با هشام بن حکم:

«ای هشام! اگر در دست تو دانه ای جواهر (لؤلؤ) باشد و مردم بگویند این گردو است، برای تو زبانی ندارد در حالیکه نومی دانی جواهر است و اگر دانه گردویی در دست تو باشد و مردم بگویند این جواهر است، برای تو سودی ندارد در حالیکه تو

میدانی آن گردو است».

یعنی چار و جنجالهای تبلیغاتی و آوازه گری نمی تواند گوهر و گردو را قلب ماهیت کند یا حق و باطل را دگرگون سازد و ارزش را ضد ارزش و ضد ارزش را ارزش نماید. به عبارت دیگر: «حسن و قبح ذاتی» زیربنای ارزشهای اخلاقی است نه اعتبارات و تبلیغات.

بر اساس این فلسفه که در جای خود مدلل گردیده، چنان نیست که اگر عفاف و حجاب که در جامعه اسلامی ما ارزش است به جامعه ای دیگر با ملاکات دیگر برده شود، از ارزش آن کاسته گردد و اگر بی تقوایی و بی حجابی که در جامعه ما ضد ارزش است، به جامعه اروپائی برده شود، قلب ماهیت شده و دارای ارزش گردد.

بی عفتی، روابط نامشروع، فساد اخلاقی برخلاف مصالح واقعی انسان است. خواه در جامعه شرقی باشد یا غربی، اسلامی یا غیر اسلامی، ایرانی یا غیر ایرانی، فرانسوی، انگلیسی یا آمریکائی و ... و خواه سیاستگذاران یک جامعه بخواهند یا نخواهند، آثار شوم عمومی و بین المللی آن دلیل ضد ارزش بودن آنست.

به عنوان مثال:

- بیماری «ایدز» ناشی از انحراف جنسی و مقاربتی و مواد مخدره امروزه در سطح جهان بویژه آمریکا فاجعه بار شده و بقول کارشناسان هم اکنون پنج میلیون انسان را دستخوش این بیماری یا ویروس آن کرده است. و افراد بی شماری را به کام مرگ کشیده و آینده این بیماری مدنظر! نسل بشریت را در سراسر جهان به وحشت افکنده است.

- در انگلستان از هر ۱۰۰ کودک نوزاد ۱۱ نفر نامشروع هستند!

(روزنامه اطلاعات، ۹۴/۱/۱۹)

- و نیز در این کشور یک سوم از ازدواجها به طلاق می انجامد و از هر سه نفر زن شوهر داریکی

رابطه نامشروع با دیگران دارد.

(روزنامه اطلاعات - ۶۳/۱۲/۸ از روزنامه انگلیسی

«پلی اکسپرس»)

- طی یک سال ۱۸ میلیون کودک در آمریکا با سقط جنین به قتل رسیده اند.

(روزنامه جمهوری اسلامی - ۶۰/۵/۲۱)

- و نیز در این کشور در قبال ۶ هزار ازدواج ۲ هزار طلاق صورت گرفته است.

(کجهان - ۶۳/۷/۳)

- بنا به اظهارات خاتم فیلیس شارفلی که از مبارزین برابری زن و مرد در آمریکا است، در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۰ میلادی حدود ۱۸ میلیون زن کارمند در این کشور به هنگام کار، مورد آذیت و آزارهای جنسی قرار گرفته اند که این رقم غیر از مواردی است که زنان، اعتراض به تقاضای نامشروع نداشته اند.

(روزنامه جمهوری اسلامی - ۶۰/۵/۲۱)

- در شوروی طی یکسال در مقابل یکصد فقره ازدواج ۴۶ فقره طلاق در دفاتر مسکوبه ثبت رسیده است.

- انجمن دفاع از کودکان ایتالیا اعلام کرد: ۳۰۰ هزار کودک طی یک سال مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند. که در کشورهای بازار مشترک این رقم به ۲ میلیون می رسد.

بر اساس این گزارش ۲۲ درصد از زنان و ۱۶ درصد از مردان در سنین کودکی در آمریکا مورد تجاوز جنسی قرار گرفته اند. درصد زیادی از این افراد از سوی خانواده هایشان مورد تجاوز قرار گرفته اند که اغلب از طبقه اشرافند!

(عبرگزاری جمهوری اسلامی از مجله آرتزینس سومس)

- هر روز هزار کودک معناد در آمریکا متولد می شود و سالانه تولد ۳۵۷۰۰۰ نوزاد معناد گزارش شده است.

(کجهان - ۶۸/۹/۹ از منابع خارجی)

اینها مثنی است از خروار و قطره ای از دریای خانمانسوز فساد در کشورهای به اصطلاح پیشرفته ای که با سوء استفاده از نام آزادی و به ابتذال کشیدن نسل بشر، برآنند تا برای دیگران الگو و مدل بیافرینند! و غرب زده گان سبک مغز نیز می خواهند ارزشها را از آنها بگیرند و بی چون و چرا تسلیم فکر و فرهنگ و آداب آنان باشند.

آمار و ارقام فساد دامنگیر زن و مرد، بر اساس ارزشهای غربی به ارقام نجومی می رسد و لحظه به لحظه سیر صعودی دارد که فعلاً به صدد بیانش نیستیم. اینها پاسخی است به آنانکه ارزشهای معنوی را باور نداشته و مدل و رفتار زن و مرد را از بیگانه می آموزند و می گویند، مسئله منکرات را دنیا حل کرده و سخت گیریهای شما بی مورد است!!

باری، ضرورت بازگشت به ارزشهای اخلاقی که پیام آوران الهی طلایه دار آن بودند، امروزه نیز از زبان کسانی شنیده می شود که هشتاد سال پشت دیوارهای آهنین کمونیسم و نقاط مختلف جهان، ضربات کوبنده خود را بر پیکر معنویات و عقاید و اخلاق و رسوم مذهبی کوبیدند و لبتک به کزراه خویش پی برده و خوشبختانه شهادت آترا دارند که بصراحت نسبت به اشتباهات گذشته خود اعتراف کنند.

گورباچف طی اظهاراتی در رم گفت: «پیش ما در قبال مذهب که زمانی در شوروی مورد قبول نبود، تغییر کرده و ارزشهای اخلاقی که مذهب با خود همراه دارد، می تواند در تغییر و تحولات شوروی مؤثر باشد».

(روزنامه کجهان - ۶۸/۹/۹۱ از یونایتد پرس)

و ما مسلمانان باید با سربلندی بخود بیالیم که با عنایات الهی، به ندای آسمانی اسلام، لبیک گفته و ارزشهای معنوی را ارج نهاده ایم و امروزه بشریت به بن بست رسیده، از پس افق تیره مادنیات و ظلمات کفر و جاهلیت جدید، رفته رفته به آثار ارزشهای معنوی پی می برد، و تازه هنوز تا درک ژرفای تقدیسه الهی و ابعاد و آثار آن - که گستره اش تا ابدیت به پیش می رود - از زمین تا آسمان فاصله دارد. این همان چیزی بود که امام طلایه دار انقلاب فکری و الهی قرن، در پیام تاریخی پیامبرگونه خود به رهبری شوروی خاطرنشان ساختند.

باش تا صبح دولتت بدمد

کاین همه از نشایح سحر است باز می گردیم به اصل بحث، یعنی ارزش واقعی حجاب که البته آترا جدا و مجرد از سایر ارزشهای اخلاقی نباید بنگریم. قرآن کریم که در آیات عبده حجاب و عفاف را مورد تأکید قرار داده، درست انگشت روی همین نقطه می نهد و بر ارزش حجاب و ضد ارزش بودن بی حجابی به عنوان یک عمل

جاهلی، تأکید می کند که برای نمونه موارد ذیل را می نگریم:

«یا ایها النبی قل لا زواجك ویشانك وینساء المؤمنین بدنین علیهن من جلابیهن ذلك ادنی ان یعرفن فلا یؤذین وکان الله غفوراً رحیماً».

(احزاب - ۵۹)

- ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو پوشش های خود را دربرگیرند که بدینگونه بهتر شناخته شده و مورد آزار قرار نگیرند و خدا آمرزنده و مهربان است.

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی آمده: سبب نزول آیه این بود که: زنان مسلمانان به مسجد می رفتند و نماز جماعت را با پیامبر اکرم (ص) می خواندند. هنگامیکه آنها برای نماز صبح یا مغرب و عشا از خانه بیرون می شدند، جوانها بر سر راهشان می نشستند و به تعرض و آزار آنان می پرداختند. لذا آیه فوق نازل شد و زنان را به رعایت پوشش اسلامی فرا خواند.

جالب است که آیه کریمه - با اشاره به این اصل که مصونیت زنان مسلمان از چشم ناپاک و دست و زبان آلوده هوسازان، رمز شخصیت زن و بالا رفتن اعتبار او در جامعه می باشد. زنان مسلمان را به رعایت پوشش متناسب با شئون اسلامی فراخوانده است. زیرا هرگاه آنان خود را در هاله ای از عفاف و حجاب مستور دارند، دل و دیده هوسازان، از آنها، قطع می گردد و فکر تعدی به حریم زنان عقیقه و محجبه را به خود راه نمی دهند و این در حالی است که اگر زن با خود آرایشی، متاع حسن و جمال خویش را عرضه کرد، با این عمل از ارزش خویش کاسته و خود را به ابتذال کشیده است. به عبارت دیگر: زنان با شخصیت از وقارشان شناخته می شوند و زنان بی شخصیت و دون مایه با ابتذال و حقارتشان. این است نکته ای که قرآن بدان اشاره نموده است.

خلاصه آنکه باید زن مسلمان بگونه ای مشی و سلوک نماید و لباسی بپوشد و در محیط ظاهر شود که به عنوان الگوی عفاف و شخصیت شناخته شود نه لعبت و بازیچه هوا و هوس دیگران، همچون کالای حراجی در شنبه بازار...

۲ - در آیه دیگر از همین سوره، ضمن توصیه همسران پیامبر (ص) که تقوی پیشه کنند و در

حریم خانه سکنی گزینند و یا مرد اجنبی متواضعانه حرف نزنند، چنین فرمان می دهد:

«ولا یرجحن نیرج الجاهلیة الأولى»

(احزاب - ۱۳۳)

- یعنی: «و به رسم جاهلیت پیشین، آرایش و خود نمایی نکنید».

گر چه آیه نکات آموزنده دیگری را در بر دارد اما نکته مورد نظر ما قسمت انتهایی آنست که تیرج و خود آرائی و خودنمایی زن را رسم جاهلیت و روشی مرتجعانه قلمداد نموده و فرهنگ بی حجابی و ابتذال زن را با تفسیح و بی ارزش ساختن آن محکوم می کند.

در عصر جاهلیت تا قبل از اسلام، مراسم بت پرستی و خرافه و فساد و انحراف جنسی و خانوادگی و اجتماعی ایجاب می کرد که زن نیز با همان فرهنگ ارزشیابی شود و در امواج آن محیط آلوده هضم گردد و مورد سوء استفاده و کامجویی غلط قرار گیرد. اسلام آمد و با این راه و رسم به ستیز برخاست و فرهنگ آسمانی برای زن بهترین ارمغانها را آورد و شخصیت مرده او را احیا کرد و با ایجاد دگرگونی در کل نظام ارزشی جامعه زن را نیز ارزشی دیگر داد، ارزشی که با فطرت خدائی و مصالح شخصی و خانوادگی و اجتماعی و سعادت دنیوی و اخروی وی متناسب باشد و قدر و منزلت او را بالا برد و از سقوط و حسیض شهوات و امیال خودی و بیگانه برهاند و آزادی به معنی واقعی را بدو هدیه کند. و این چیزی است که ما باید در آموزش هایمان و ضمن توصیه به حجاب و برخورد با بد حجابی به گونه ای مؤثر بر آن تکیه کنیم.

## زن و جاهلیت جدید تحت سلطه فرهنگی غرب

در بررسی روایات آمده است که: «جاهلیت نخستین» (الجاهلیة الأولى) که در آیه آمده، اشاره به جاهلیت دیگری است که بشر گرفتار آن خواهد شد. علی بن ابراهیم در تفسیر از امام صادق (ع) چنین نقل می کند:

«قال: ای ستکون جاهلیة اخری».

(تفسیر ص - ج ۲ - ص ۱۵۳)

یعنی جاهلیت دیگری نیز خواهد بود، و دنیا بار دیگر به عقب بر می گردد و اعمال و رسوم جاهلیت

زنده می شود و جامعه اسلامی گرفتار عادات و رفتارهای جاهلانه و غیر اسلامی می شود. همانگونه که ملاحظه می کنیم. کشورها و جوامع اسلامی از جمله زنان مسلمان در دام استعمار و استکبار و فساد اخلاق و ابتذال و جاهلیت قرن بیستم گرفتار آمدند و شگفت اینکه نام این را تمدن و تجدد و آزادی نهادند که این نیز دسیسه تبلیغی مستکبران و نقشة شوم فرهنگی آنان بود.

این مسئله، بخشی از توطئه عظیم ساخته و پرداخته نظامهای سلطه گر و فرهنگ منحط و فاسد غربی بود که در قرن اخیر در کشورهای جهان سوم - که از آن جمله کشورهای اسلامی بودند. اوج گرفت. غرب با استفاده از تکنولوژی و پیشرفت های علمی و فنی این امکان را یافت که ابعاد مختلف سلطه اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در این کشورها بگستراند و متأسفانه کشورهای اسلامی از این توطئه خائشانانه مصون نماندند. امپریالیسم و صهیونیسم با صدها رسانه و ماهواره و نشریه و کتاب و صرف میلیاردها دلار که از ملل محروم به عارت برده و می برند، شب و روز به صدور فساد و ابتذال و آمیزش های نامشروع و تحریک غرائز جنسی و نهی کردن مغزها می گوشتد تا بتوانند نظام سلطه را ادامه داده و بر همه نقاط عالم بگسترانند و بدبختانه اولین مصرف کننده این کالای شوم صادراتی، دربارها و رژیم های حاکم محلی بوده و هستند که واسطه انتقال و پروس فساد و ابتذال و تبعات آنند.

در اینجا به بخشی از نوشته امام فقیه و عظیم «قدس الله روحه» که بیش از نیم قرن، نقشه های شوم و پلید استکبار را شناسائی و افشا نمودند و امت اسلامی را به هویت خویش باز گردانیدند، توجه کنیم:

### امام، افشاگر توطئه فرهنگی غرب

آن بزرگوار در کتاب «کشف الاسرار» که پنجاه سال پیش در پاسخ به غرب زدگان و نوکران خانه زاد استعمار از رژیم ستمشاهی گرفته تا روشنفکران! و خود باخترگان فرهنگ کثیف غرب، به رشته تحریر آورده اند و مطالب زنده و ماندنی آن برای همیشه جذاب و برای امت اسلام، هشدار دهنده است، با اشاره به نقش رضا خان در شکستن قدرت و نقش روحانیت و مجری برنامه کشف

حجاب و سایر نقشه های اجانب، چنین نگاشتند: «اروپائیان از سالهائی بس طولانی این نکته را دریافتند که با نفوذ روحانیت و قوت علاقه دینداران به دین ممکن نیست به آسانی بتوانند استعمار ممالک اسلامی کنند و منابع و ثروت آنها را از دست آنها بی چون چرا بربایند و مقاصد استعماری یا استعماری خود را عملی کنند و چنین تشخیص دادند که ریشه علاقمندی توده به دین تبلیغات روحانین اسلام است و با علاقمندی مردم به روحانیت ممکن نیست علاقه به دینداری را از آنها گرفت. آنها دیدند برای یک پیمان دختاریات با آن محدودیات بزرگ زمان ریاست مرحوم میرزای شیرازی مواجه شدند و عاقبت نتوانستند مقصد خود را عملی کنند، از آنروزی با روزهای پیش تر درس خود را برای همیشه خواندند و فهمیدند با نفوذ اینان نمی شود معادن ثروت این ممالک را و امریک کشور مستقل را با وزارت استعمار قرارداد ناچار با تمام قوا و تدبیرات عملی که مخصوص به خود آنها است با دست خود ایرانیان مشغول به انجام وظیفه حتمیه شدند که هر چه ممکن است زودتر قسوه روحانیت را از بین ببرند یا دست کم از نفوذ آنان هر چه ممکن است بکاهند و با کاسته شدن این قوه که راهنمای مصالح کشورهای اسلامی بود و در عین حال جلوگیری از نفوذ اجانب هم بود، مردم را از دینداری سست کنند. قبل از بیست سال دیکتاتوری نقشه های خود را نسبتاً با نزاکت و آرامش می خواستند عملی کنند. با روزنامه ها و تبلیغات که از ففقا و کلکته و مصر و دیگر بلاد شروع شد و به ایران نیز نفوذ پیدا کرد به این کار مشغول شدند... و آنکس که با تمام مقاصد آنها همراه شد دیکتاتوری بی هوش رضاخان بود و بیش از او نیز آن مرد ابله آناتورک بود که نقشه های آنها را بطور اجبار و سر نیزه عمل می کردند و مردم را از طرفی با تبلیغات و کاریکاتورهای روزنامه و از طرفی با فشارهای سخت به روحانین و خفه کردن آنها را در تمام کشور و از طرفی شایع کردن اسباب عشرت و ساز و نواز و سرگرم کردن مردم را به کشف حجاب و کلاه لگنی و مجالس سینما و تئاتر و بال و آن چیزها که می دانید و گول زدن آنها را به اینکه اینگونه بازی ها تمدن و تعالی کشور است و دینداران مانع از آن هستند...»

(کشف اسرار - ۳۳۰-۳۳۱)

این بود قسمتی از آنچه امام عظیم الشان ما پنجاه سال قبل در عصر اختناق برملا کردند و اکنون که به آخرین سخنان این مشعل دار قرن معاصر می نگریم، می بینیم درست همان پیش و تحلیل نسبت به عملکرد استعمار در پایمال ساختن ارزشهای انسانی و اخلاقی مسلمین، طی و صیت نامه سیاسی-الهی جاویدانشان، امت اسلام را هشدار می دهند که بخشی از آنرا می نگریم که نسل امروز و نسلهای بعدی به این هشدارها و اخطارها ساخت نیازمندند:

«از جمله نقشه ها که مع الاسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشورهای عزیزمان گذاشت و آنان تا حد زیادی بجای مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است. بطوری که خود را و فرهنگ و قدرت خود را هیچ گرفتند و غرب و شرق دو قطب قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ آنان را والاتر و آندو قدرت را قیله عالم دانستند و وابستگی به یکی از این دو قدرت را از فرائض غیر قابل اجتناب معرفی نمودند و قسه این امر غم انگیز طولانی و ضربه هائی که از آن خورده و اکنون نیز می خوریم کشنده و کوبنده است. و غم انگیزتر اینکه ملت های ستمدیده تحت سلطه را در همه چیز عقب نگاهداشته و کشورهای مصرفی بار آوردند. و بقدری ما را از پیشرفتهای خود و قدرتهای شیطانی شان ترسانده اند که جرئت دست زدن به هیچ ابتکاری نداریم و همه چیز خود را تسلیم آنان کرده و سرنوشت خود و کشورهای خود را بدست آنان سپرده و چشم و گوش بسته مطیع فرمان هستیم و این بوجی و نهی مغزی مصنوعی موجب شده که در هیچ امری به فکر و دانش خود اتکا نکنیم و کورکورانه از شرق و غرب تقلید نماییم.»

حضرت امام «قدس سره» شرح این داستان غم انگیز را ادامه می دهند و پس از فرآزی با اشاره به نقش خاندان پهلوی در این ماجرا چنین می فرمایند:

«... دولتمردان خائن و دودمان پهلوی خصوصاً و مراکز تبلیغاتی علیه دست آوردهای خودی و نیز خود کوچک دیدن ها و یا ناچیز دیدن ها ما را از هر فعالیتی برای پیشرفت محروم کرده. وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان خصوصاً طبقه جوان به اقسام اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازی های کودکانه و به مسابقه کشاندن خانواده ها و مصرفی

## نارینه لایحه استعمار

ارزشهای اسلامی را در قلب کفر و فساد جهان استکبار توید می دهد. همانگونه که اشک تمساح ریختن مراکز خبری و رسانه های صهیونیستی و امپریالیستی، به عنوان دفاع از حقوق و آزادی زن در ایران و حمله به حجاب و امثال آنرا نباید ساده انگاشت، که این نشانه دیگری از حساسیت مسئله حجاب به عنوان سمبل ارزشهای اسلامی است که در دید جهانخواهران اینگونه اهمیت دارد. به تعبیر بعضی: افکار عمومی جهان و رسانه های بین المللی، مسئله حجاب را به عنوان فشار سنج مذهب در کشور ما تلقی می کنند.

که تعبیری تناسی نیست. با این همه توطئه ها و زوزه هائی که از حلقوم دشمنان اسلام و رسانه های استکباری بگوش می رسد و همسویی مثنی فریب خورده داخلی با آنان، انقلاب کار خود را کرده و پذیر خود را در دلها پاشیده، بذری که خشم کفار و ملحدان و مستکبران و اذناپشان را برانگیخت و آزادگان و مؤمنان را امیدوار ساخت.

علی رغم آن همه لجن پراکنی و دهن کجی ها نسبت به ارزشهای الهی میلیونها زن مسلمان در عرصه انقلاب سمبل ارزشها شدند و استعداد و قابلیت و بلندای اندیشه و ایثار و از خود گذشتگی را جهت حفظ دست آورد انقلاب به نمایش گذاشتند. و امام فقید زنده یادمان در وصیت نامه سیاسی-الهی خود به وجود این قشر از زنان افتخار نموده و فرمودند:

«... ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند و آنانکه توان جنگ دارند در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت و از محرومیت ها که توطئه دشمنان و ناآشنائی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند شجاعانه و متعهدانه خود را رها کرده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود بدست نادانان و بعضی آخوندهای بی اطلاع از مصالح مسلمین بوجود آورده بودند، خارج نمودند و آنانکه توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوقی

بار آوردن هر چه بیشتر که خود داستان غم انگیز دارد و سرگرم کردن و به نباهی کشیدن جوانها که عضو فعال هستند با فراهم آوردن مراکز فحشاء و عثرنکده ها و ده ها از این مصائب حساب شده برای عقب نگهداشتن کشورهاست...»

## امام، معمار و مجدد ارزشها

بالاخره غل و زنجیرهای جادویی استکبار با دست توانمند امام در هم شکست و دژهای استعمار فرهنگی و ابتذال اخلاقی فرو ریخت و ارزشها جای خود را باز یافت و شعارهای اسلامی بر تبلیغات و فرهنگ پوچ و توخالی غرب و شرق پورش آورد و از جمله مسئله شخصیت زن و فرهنگ حجاب و عفاف به عنوان یک شاخصه استقلال و ایمان و عصیان علیه فرهنگ منحط استکباری برای زن مسلمان مطرح گردید و عروسک های خیمه شب بازان غرب و غرب زدگان که نقل هر محطلی بودند منزوی شدند، جمعی متنبه گشتند و جمعی در لاک های تحجر خیز شدند و دیدیم که هیمنه و شکوه انقلاب در سیمای زن مسلمان نیز جلوه کرد و از مرزهای بین المللی فزونی یافت و حتی به دانشگاه های غرب سرایت کرد که نمودار آن را در مصر، ترکیه، فرانسه و بلژیک و جای جای جهان می توان دید و در تظاهرات مردم مسلمان در فرانسه و ترکیه، استانبول، آنکارا و ارض روم و کشمیر و هند و غیره، علیه منوعیت حجاب و به عنوان تودهنی به رژیم های مرتجع ضد اخلاق است.

امروزه اگر مقاومت دولتهای - باصطلاح - طرفدار آزادی مثل دولت فرانسه را می بینیم که خانم معلمه ای را به جرم حجاب، از تدریس محروم می کنند و دانش آموزان دخترها حجاب را از مدارس، اخراج و از حضور در دانشگاهها، جلوگیری می نمایند، این نشانه وحشت جهان استکباری غرب از نفوذ و گسترش فرهنگ اسلامی است که یکی از سمبل های آن حجاب است و گرنه در کشوری مثل فرانسه که مهد آزادی اش می گویند، دلیل نداشت در برابر دانش آموزان و دانشجویان و خانم معلمه با حجاب، چنین صف آرایی کند. ما این را نشانه غلبه ارزشهای اسلامی و نفوذ و گسترش آن در صحنه بین المللی و شکست روانی غرب تلقی می کنیم و آنرا بفال نیک می گیریم که احیای

اگر صحیح باشد با آیه شریفه: «ولا تکتوا الی الذی ظلموا فتمتکم التار» چگونه جمع میشود، و اساساً با عمل رسول خدا (ص) در طول زندگی آنحضرت سازگار نیست که سعی میکرد هیچگاه از مشرکی حتی بر گردن آن حضرت نباشد!

۴- چهارمین سؤالی که بر طبق این روایت بنظر میرسد و باز هم موجب ضعف آن میشود این مطلب است که رسول خدا (ص) با اینکه خود اهل مکه بود و بیش از پنجاه سال از عمر شریف او گذشته بود و از سنتها و قوانین اجتماعی شهر مکه و قبائل آن اطلاع کامل داشت چگونه از این مطلب بی اطلاع بود که «حلیف» نمی تواند به «صمیم» پناه دهد، و یا اینکه «بنی عامر» نمی توانند «بنی کعب» را در پناه گیرند...؟!.

و از همه اینها گذشته مگر بنی هاشم و حمزه بن عبدالمطلب و دیگران که به شجاعت و غیرت معروف بودند نبودند که این مقدار نتوانند از آنحضرت دفاع کنند تا آنجا که مجبور شود در پناه

و بدین ترتیب به این نتیجه میرسیم که اصل داستان سفر طائف رسول خدا (ص) از نظر تاریخ و روایات مسلم است، اما این جزئیات و قسمتهای دیگر آن مورد تردید و اختلاف است که نمی توان درباره آنها و صحت آن مطلبی اظهار کرد... والله العالم.

- ادامه دارد
- ۱- بحارالانوار ج ۱۸ ص ۲۲۸. سیره نبوی دحلان ج ۱ ص ۸۳. سیره حلبی ج ۱ ص ۲۴۳.
  - ۲- سیره النبویه ابن کثیر ج ۱ ص ۴۰۶-۴۰۸.
  - ۳- برای تحقیق بیشتر میتوانید به جلد دوم تاریخ تحلیلی که مجموعه این مقالات را بصورت کتابی جداگانه بچاپ رسانده اند مراجعه نمایید.
  - ۴- تاریخ طبری ج ۲ ص ۸۲. سیره النبویه ابن کثیر ج ۲ ص ۱۵۴-۱۵۵. سیره ابن هشام ج ۱ ص ۳۸۱.
  - ۵- سیره ابن هشام ج ۱ ص ۲۸۴.
  - ۶- نقل بحارالانوار ج ۱۹ ص ۲۴.
  - ۷- کامل ج ۲ ص ۹۰-۹۱.
  - ۸- سوره هود آیه ۱۱۳. یعنی به کسانی که ستم کرده اند امید نیندازد که آتش جهنم شما را فرا خواهد گرفت.

بقیه از ابتدال فرهنگی

می لرزاند اشغال دارند و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگوار زینب گوته (علیها سلام الله) فریاد می زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدا و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته اند و مفتخرند به این امر و می دانند آنچه بدست آورده اند بالاتر از جنات نعیم است چه رسد به متاع ناچیز دنیا...

بدینسان امام به زنان ارج نهاد و ارزش های پربار دفته را پیدانها باز گردانید. و اینک ما نیز مسئولیت پاسداری از آن و سایر ارزشها. نپذیریم دشمنان سوگند خورده دست از توطئه کشیده اند. توطئه صهیونیسم و امپریالیسم بویژه آمریکای زخم خورده و ایادی آنها علیه فرهنگ و ارزشهای اسلام و انقلاب علی الدوام در جریان است.

اما همانگونه که رهبر معظم جمهوری اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای فرمودند: «ملت، مسئولین و انقلاب ما اجازه نخواهند داد که زندگی مردم به سمت چیزی که فرهنگ منحط غریبی بر ملت ماحتمیل کرده بود، سوق داده شود.»

این سخن تمام ملت است و همه آنان که حفظ و پاسداری از این هدیه الهی را مسئولیت خود می دانند. ادای این مسئولیت، بیداری و هشیاری و

مراقبت مداوم می طلبد. بویژه رسانه ها و بالاخص صدا و سیما همانگونه که معظم له در بخشی دیگر از بیانات خود چنین تأکید کردند: «وادب و تلوویزیون باید مفاهیم و ارزش های انقلاب اسلامی را در قالب برنامه های هنری، فیلمها، نمایشنامه ها و بهره گیری از انواع مختلف روش های هنری به مردم عرضه کنند.»

این از یکسو و از سوی دیگر تفتیش و مراقبت و زیر نظر داشتن و بند آموزیها یا سهل انگاریها و شیطنت هائی که جست گریخته در گوشه و کنار دیده می شود که اگر پیشگیری و برخورد جدی نشود درآینده مشکل خواهد بود که گفته اند:

سرچشمه یتوان بیستن به پیل

چو بر شد نشاید بیستن به پیل  
متأسفانه برخی مجلات مثل «آینه» زیر چشم مسئولان ناظر بر مطبوعات، به درج مطالب ضد انقلابی می پردازد و مثلاً قلمه شعری از شاعره عصر طاغوت درج کرده که رسوبات ابتدال فرهنگی غرب را یاد کرده و از فراق بی حجابی و هرزگی آن دوران آه و ناله سرداده است و یا فرهنگ شهادت را به استهزا می گیرد و امثال این اهانت های نابخشودنی.

- زنان و مردانی هستند که با ژست ها و لباسها و حرکات ضد ارزشی و من جمله بدحجابی و پررونی در سطح جامعه و فروشگاهها و بعضاً ادارات و

بیمارستانها بویژه خصوصی ظاهر می شوند و خیالشان راحت است که هیچگونه برخوردی با آنان نخواهد شد! و عده ای از ایشان به خارج کشور از جمله ترکیه و ناپلند و همه هفت به امارات ودیی و شارجه می روند و با برهنگی و رسوائی و بی آبرویی های دیگر، حیثیت جمهوری اسلامی را هتک می کنند که در این زمینه اخیراً مقاله ای در پاسدار اسلام نوشتیم و نامه های بلند بالا و گزارش مفصل خدمت مسئولان رده بالای کشور نوشتیم و هنوز که هنوز است منتظر جوابیم که آیا بالاخره می شود از خروج زنان حداقل مجرد آنچنانی بخارج و منطقه خلیج ممانعت به عمل آید، تا حجم فساد تقلیل یابد، یا نه؟!.

گستاخی برخی زنان لجام گسیخته به حدی رسیده که در پاره ای نشریه های مجرمانه، مطالبی به چشم می خورد که مایه تأسف و شگفتی از عدم برخورد قاطع با اینسان است و برخی فیلمهای خارجی و داخلی که متأسفانه غیر مستقیم، مروج ضد ارزشها هستند؛ اینها و امثال اینها که بسیار است و اینک مجال ذکرش نیست، مسئولین اجرایی و قضائی کشور را بیشتر در قبال اسلام و انقلاب به ادای مسئولیت می طلبد که حرف آن همیشه هست و انتظار عمل همچنان باقی است...

ادامه دارد